

دادور و دادوری

برگردان: حسین کیان‌راد

[این نوشتار برگردانی است از مقاله‌ی "dādwar, dādwarīh" نوشته‌ی منصور شکسی در شماره VI، 1993، pp. 557-59 که وظایف قاضیان و مسایل قضایی در ایرانِ عصرِ ساسانی را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهد.]

دادور و دادوری به ترتیب به معنی قاضی، رئیس دادگستری، قانون‌گذار، مرد و حاصل قانون، و حکم قانونی و قضاوت است.

تصور بر این است که قاضی نه تنها می‌بایست بر قوانین شهری (دنیوی) احاطه می‌داشت

(dād āgāh)، بلکه به همان اندازه در قوانین مذهبی نیز آزموده می‌بود. یک قاضی برای داوری کردن در هر قضیه‌ای باید هر یک از این دو قانون را با اصل قانونی که درباره‌ی مجموعه‌ی قوانین شهری وجود داشت و توسط برجسته‌ترین اولیای امور قانونی (pad hamdādestānīh i wēhān)

تدریس می‌شد، هم‌چنین با احکام و دستورات اوستا و زند،^۱ مطابقت می‌داد. در قوانین متداول دربار ساسانی، دو نوع دادور با قدرت اجرایی متفاوت وجود داشت؛ دادور ارشد و دادور کوچک‌تر (dādwar ī Meh and dādwar ī Keh).^۲ سکاتوم نسک که

1. Dēnkard, ed. Madan, II, P.712

2. A. G. Perikhanian, Sasanidskii su debnik, Matākdan' Hazār Datastān (the sasanian Code of law, Mādayān' hazār dādestān), Yerevan, 1973. pt. 2, p. 12; Dēnkard, ed. Madan, II, p. 713.

خلاصه‌ای است از متن پهلوی دینکرد^۱، ارزیابی خود از مهارت دادوران در دانش قضاوت را براساس طول خدمت قضایی آنها (از ده تا پانزده سال)، تسلطشان بر دادن رای مناسب و داشتن مدیریت قضایی انجام داده است.

بنا بر متن «ماتیکان هزار دادستان»^۲، مهر قضاوت نخستین مَهری بود که به یک مقام دارای قدرت اجرایی (muhr I pad kār-framān) داده می‌شد. با توجه به گواهی کتیبه‌ای از خسرو اول به نظر می‌رسد داوری هر ناحیه یا شهر برعهده کسی قرار می‌گرفت که آن شهر یا ناحیه به او داده شده بود. نام ضمیمه‌ی مقام قضایی آنها در واقع مسوولیت خیریه‌ای بود با عنوان «دفاع از ضعیفانِ مستحق». بنا بر این آنها نشان صاحب‌منصبی با لقب مرکب «درویشان جادگ گو و دادور» (driyōšan Jādagōw ud dādwar) به معنای مدافع درویشان و دادور را دریافت می‌کردند. بسیاری از این قبیل مَهرها شامل نشانه‌هایی است که اصل آنها توسط فیلیپ ژینیو و ر. ن. فرای^۳ (در اردشیر خوره و بیشاپور) منتشر شده است. این دو وظیفه‌ی متفاوت و به‌ظاهر ناسازگار، «فرای» را به‌سوی این پیشنهاد هدایت کرد تا احتمال بداند که دادور در چنین مفهومی دلالت بر «کارشناس حقوقی» داشته است. به هر حال واقعیت داشت که یک چنین مامور قضایی در زمان‌های متفاوت صلاحیت کار در هر دو مقام را دارا بود.

بنا بر ماتیکان هزار دادستان^۴، «جادگ‌گو درویشان» لقبی بود که نخست طی حکمی از طرف قباد (۴۸۸-۴۹۶، ۴۹۸-۵۳۱ میلادی) پسر پیروز به‌مشاور موبدان پارس تعلق گرفت و نه به دادوران. اما این حکم توسط هیچ یک از منابع دیگر تایید نشده است.

نشانه‌هایی که در ماتیکان^۵ برای مَهرهای اداری مربوط به امر قضاوت ذکر شده است و در واقع نمادپردازی‌هایی برای قدرت اجرایی بر یک شهر یا ناحیه (tasūg) محسوب می‌شود، به وسیله‌ی گواهی مَهرها (هم‌چون مَهر دادورگور) تایید شده است.

نزد هر مقام اسنادی وجود داشت که هنگام تحویل آن مقام برگرداندن آن‌ها ضروری بود. وقتی کارگری جدید جایگزین یک قاضی یا موبد می‌شد، مستحق نبود بر مَهر آن مقام

1. ed. Madan, II, P. 773.

2. pt. 1, p. 93

3. 1978, bullae 1.2 [Abaršahr], 3.30 [Hamadān], 5.1 [GēLān], 8.1 [Māsabadān], 10.1 [Ray]. and by Richard. N. frye seals D 199 [Ardašīr-Korra], D 194 [Bšāpūr].

4. pt. 1, p.93

5. pt. 1, p.100

دست یابد، تا وقتی که این اسناد برگردانده شود.^۱

قضاوت برخی از موارد قانونی (dād 1g) با همکاری دو قاضی صورت می‌گرفت و آن‌ها نیز در یک مفهوم ویژه با انجمنی از قاضیان در ارتباط بودند.^۲ منابع ارمنی مطرح می‌کنند که برخی طبقات اجتماعی یا سازمانی، قاضیانی داشته‌اند. برای مثال دادگاه‌های نظامی به‌وسیله‌ی یک قاضی نظامی ویژه (spāh dādwar) اداره می‌شد.^۳

در سده سوم و در راس دادگاه‌های دولتی، قاضی تمام امپراتوری (hāmsāhr dādwar) قرار داشت. این مقام جزو عالی‌ترین مقامات مذهبی کشور محسوب می‌شد. بنا بر کتیبه‌های فارسی میانه منسوب به کرتیر در کعبه زردشت (KKZ)، سرمشهد (kSM) و نقش رستم (KNRm)، کرتیر رییس روحانیون که در زمان شاپور اول (۲۴۰-۷۰ میلادی) مَهری با لقب «هیرید»^۴ و در عصر هرمز اول (۲۴۰-۷۱) عنوان «موید اورمزد» را داراست، سرانجام توسط بهرام دوم (۲۷۴-۹۳) به بالاترین درجه‌ی مذهبی، «هامشهر موید و دادور» به معنی «روحانی و قاضی تمام امپراتوری»^۵، به درجه‌ی بالاتر می‌رسد.

کتیبه‌ها آشکار می‌کنند که در سده‌ی سوم میلادی، دادوران (قاضیان) پس از هیریدان و مویدان رتبه‌ی سوم را در سلسله‌مراتب مذهبی اشغال کرده بودند، موقعیتی که در سرتاسر عصر ساسانی برای آنان حفظ گردید. در دوره‌های بعد عنوانی با شکل‌های اصلاح شده، ظاهر شد. در متن سربانی زندگی (پاتویارخ مارآبا) (۵۴۰-۵۵۲ میلادی) با رجوع به مارکرداگ لقب‌هایی چون آیین بد و شهردادور، قاضی امپراتوری، باقی مانده است.^۶

1. muhrdād; Mādayān, pt. 2, p. 13; for an example of a rad, See G. Hoffmann, Auszüge aus syrischen Akten persischer Märtyrer, Leipzig, 1880, p. 65, and R. N. Frye, ed., Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr, Cambridge, Mass, 1973, p. 50

2. Dēnkard, ed. Madan, II, pp. 723-24

3. Hübschman, Armenische Grammatik, pt. 1, p. 136; christensen, Iran Sass, p. 295.

4. M. Back, Die Sasanidischen staatsinschriften, Acta Iranica 18, Tehran and Liege. 1978, p. 393

5. Ibid, p. 410

6. Idem

7. D. Bedjan, Histoire de Mar-Jabalaha, de trois autres patriarches, d'un pretre et de deux laïques nestoriens. Paris, 1895, p. 228; Gignoux, Elements de prosopographie de quelques mōbads sasanides, JA 270/3-4, 1982, pp. 259-61; Idem "Die religiöse Administration in Sasanidischer Zeit. Ein Überblick", in H. Koeh and D.N. Mackenzie; Kunst, kultur und Geschichte der Achämenidenzeit und ihr Fortleben, Berlin, 1983, pp. 255-57; Idem, "pour unq

این مدرک سریانی به عنوان «شهر دادوران دادوری اشاره دارد که در ماتیکان^۱ از دولقب موازی «شهر دادوره» و دادوران دادوره (قاضی القضاة)، ترکیب شده و همانند موبدان موبد، بالاترین روحانی در میان روحانیون عالی رتبه محسوب می شده است. شاید این امر بدعتی بود مربوط به عهد یزدگرد دوم (۲۳۹-۵۷ میلادی).^۲

در سور سخن (sūr saxwan) یا «سورآفرین»، مهمان پس از ستایش خدا و تشکر از میزبان به خاطر برپایی ضیافت، برای بزرگترین قاضیان کشور (همگ زوئر شهر دادوران) ساغر می ریزد.^۳ این امری شایسته نیست که در سور سخن بالاترین قاضیان پس از ولیعهد، نخست وزیر (بزرگ فرمذار) و چهار فرماندهی اصلی (سپهبدان) و قبل از مغان مشاور (مغان هندزر بد)، در ردیف مقامات عالی آمده است.

در بخشی از ماتیکان با نام «شایستگی قانونی صاحب منصبان»،^۴ جزئیات بیش تری از قدرت اجرایی و وظایف قضاة در قانون درباری ساسانیان ذکر شده است. در ادامه با وجود پیچیده و محدود بودن متن، ترجمه‌ی کاملی از آن جالب توجه می باشد: «قاضی شایسته کسی است که چند و چون و خصلت سوژه‌ی مورد نظر، هم چنین خصوصیتی را که دارد در ذهن خود حفظ کند. او در پذیرفتن شواهد، تعقیب قانونی مجرم، تعیین زمان محاکمه، احضار قانونی، بازداشت، پاسداری از متهم، مواظبت کردن یا نکردن از او (pad ud nē pad)، تصمیم گرفتن درباره رسیدگی به دعوی یا رسیدگی نکردن به آن، تصمیم گرفتن درباره‌ی این که آیا مانعی در قضاوت وجود دارد و در نتیجه مراقبت کردن از اسناد مربوط به دادرسی، اختیار قانونی دارد. هم چنین مجاز به بررسی کردن مدارک سری، اطلاعات غلط، واقعیت‌های تحریف شده و دیگر گناهان و ایسته در مراحل مختلف بازجویی است.

دادور حق دارد، تا از مسائلی چون تاریکی یا روشنی رنگ مو و چهره، مرد یا زن بودن، هویت طرفین دعوی، صحت نام‌ها و شهرها، ثبت اعترافات، نگه داشتن فرد تحت بازداشت یا زندان انفرادی و اعمال شکنجه آگاهی یابد. بیانات و دفاعیات را بشنود،

^۱ esquisse des fonctions religieuses sous les Sasanides" Jerusalem studies in Arabic and Islam 7, 1986, p. 101
1. pt 1, p. 110

2. M. Boyce, Zoroastrians. their Religious Beliefs and practices, London, 1979, p. 122

3. Pahlavi Texts, ed. Jamas Asana, p. 157; misread by C. Tavadia, "sūr Saxvan, or, a Dinner Speech in Middle persian", Journal of the K.R. Cama oriental institute 29, 1935, pp. 44-45, 65-66; christensen, Iran Sass. , p. 524

4. Mādayān, pt. 2, pp. 25-26

به شکایات رسیدگی کند، رای دادگاه را بپذیرد یا فرجام‌خواهی کند، صورت جلسه‌ی دادرسی (nāmag) را به دیوانبان، وزیر و زندانبان شخص متهم مسترد دارد و علاوه بر این به دبگر اعمالی بپردازد که در حوزه‌ی قضایی او نیستند.

دادور مجاز است، تا محاکمه را مطابق با قانون سنتی (kardag) به‌تعمیق بیاندازد. رسیدگی کردن به‌نوع و مقدار پوشاک و سایر اشیای مسروقه با نگهبان و کسی بود که در اطراف به‌گشت‌زنی می‌پرداخت. دادور این قدرت را داشت تا مهرها را بشکند و در جای مخصوص علامت‌گذاری، نشانی بر اشیاء بگذارد (nišan kardan). هم‌چنین قدرت قانونی وی برای نگه‌داری از شخص تحت نظارت نیز حفظ شده بود. پیروان یک حقوق‌دان به‌نام «پیشگ سیر» (pešag sīr) مدعی دارایی مطالبه‌نشده‌ای بودند که دادور استحقاق به‌دست آوردن آن را داشت.^۱

اگر یکی از طرفین دعوا، علیه رای یک قاضی تازه‌کار درخواست فرجام می‌کرد، این قضیه می‌بایست به‌دادگاهی عالی‌تر با ریاست یک قاضی ارشد انتقال داده می‌شد.^۱ چنان‌چه در موارد مشکوک حکم صادره مورد بازبینی قرار می‌گرفت (ēwar) و اگر موارد بازبینی شده باز هم مشکوک بودند، قاضیان به‌واسطه‌ی عدم توفیق در اجرای عدالت و جانبداری مجازات می‌شدند.^۲

ارداویرازنامه، وقتی به‌توصیف مجازات‌های شدید جهان‌زیرین که به‌خاطر نروت‌پرستی و طمع بر قاضیان ستمگر وارد شده، می‌پردازد، آشکار می‌کند که با توجه به‌نحری زندگی این قاضیان، چنین ناوانی منصفانه و حق‌آن‌هاست.^۳

شماره‌ی تلفن جدید چیستا و دانش و مردم

۶۷۴۱۰۵۹

1. Ibid, pt. 1, p.3

2. Dēnkard, ed. Madan, II, p. 723

3. Gignoux, 1984, pp. 130, 210; F. Vahman, Arda wirāz Nāmay, the Iranian "Diviny Commedia, Scandinavian Institute of Asian studies, Monograph Series, 53, London, 1986, pp. 174, 216.